

چکیده

نور در معماری چیست؟ این پرسشی است که این مقاله در مقام پاسخی بنیادی و فلسفی بر آن است. بدیهی است نور در فیزیک قسم خاصی از امواج الکترو مغناطیسی است که قابل مشاهده است. در دانش فیزیک به واسطه وجود حاملی مفروض نور امکان تحقق می یابد. این حامل واسطه ای است که در آن امواج نور به حرکت در می آید.

در این مقاله به خصوصیت‌های فیزیکی نور بدانگونه که مبحث علم فیزیک است کاری نیست بلکه در اینجا از ویژگی‌های مکانی و برخی جهات استتیک نور که با مقوله فضا و مکان در هم آمیخته است سخن خواهد رفت. خصوصیات فضاهای ساخته شده نوری در کنار فضاهای عام حامل نور مورد بحث خواهد بود. از نظر ما ساخت فضاهای نوری اهمیتی چون فضاهای ساخته شده معماری دارد و از این رو ساخت و تولید این فضاها مستلزم دانش معماری خاصی است که آن را می توان «معماری نور» نام نهاد.

کلیدواژه

معماری، معماری نور، فضا، فضای نوری، صورتهای نوری، صورتهای مکانی، صورت ساخته شده.

اما همچنانکه مکان در وجود خود به نور روشن و قابل تشخیص گردد در ماهیت نیز ظاهراً متأخر به نور است و در تعریف و شناخت انسانی نور مفهومی معروف و مبسوط است و بدین سان معرف مکان. نور با شناخت همانقدر مربوط است که مکان با هستی و مقوله های نور و مکان با شناخت هستی و ماهیت تمییز داده می شود.

از سوی دیگر تاریکی که همان فقدان نور است و به عدم و نیستی باز می گردد تا به وجود، در معماری اثری کمتر از نور ندارد. تاریکی می تواند برای فضاهای معماری اشکال نوینی به وجود آورده، بنابراین هر اندازه منابع نور در سلطه انسان باشد تاریکی نیز به اراده اوست و می تواند کم یا بیش به ساختههای معماری وارد شود. البته برخلاف نور تاریکی منبع مستقل ندارد و نمی توان آن را به طور مستقیم پدید آورد اما از آنجا که نور به خصوص در معماری تکنولوژیک به راحتی در دسترس ما قرار دارد با سلطه بر نور و تنظیم آن می توان تاریکی را نیز به طور دلخواه در عمارت و بنا جای داد. به راستی تکنولوژی نور فضاها را به آنگونه که می خواهیم پر نور، کم نور و بی نور می سازد و تاریکی در معماری پدید آوردنی است. بدین ترتیب می توان

مقوله نور چگونه با مقوله فضا مربوط می شود؟ اگر این دو مقوله نسبتی به یکدیگر دارند، ماهیت این نسبت چیست؟ آیا می توان گفت مکان و فضا بدون نور وجود دارد و بر عکس، آیا نور، بدون مکان و فضا وجود دارد؟ در آغاز به نظر می رسد مکان بدون نور چه مکان تهی یا مکان پر وجود دارد. در معماری یک اتاق بدون نور همان سان مکان است که یک اتاق با نور. چنانچه کلید چراغ اتاق را می زنیم مکان هندسی اتاق همان مکان هندسی پیشین است و تغییری در آن مکان هندسی مشهود نیست. اما بدون مکان و بدون این مکان و آن مکان نور چگونه میتواند باشد و چیست؟ هیچ چیز. پس نتیجه آن که مکان به نور تقدم دارد در هستی و شاید که نور به مکان تقدم دارد در ماهیت. مکان بدون نور مکانی است تاریک اما نور بدون مکان تنها در یک حد و حتی در نقطه تمام می شود. نقطه نوری که چون بر مکان پوشیده ماند نتوان از آن به نور یاد کرد. نور ظاهر است هنگامی که در مکان امکان هستی یابد و مظهر است باز هنگامی که در مکان هستی امکان یابد. با مکان ولو مکان محض باشد، نور امکان می یابد و بی مکان نور امتناع یابد. مکان امکان و امتناع نور خود مکان است. نور چیزی جز امکان ظهور مکان نیست.

(نمونه کلیسای نور تالدائوآندو) هر چه نور بیشتر در دستان معمار باشد او در ساختن فضاهای مجازی تواناتر خواهد بود. او می تواند با نور فضاها را تنگتر یا بازتر کند. فضاهای آمیخته با نور فرصتهای بیشتری برای نظم و آرایش پدید می آورد. فضاهای معماری با نور از فضاهای طبیعی متمایزتر می گردد.

نور سرچشمه فضا نیست اما بسیاری از اشکال فضایی را نور به وجود می آورد. اشکال فضایی که نور به وجود می آورد به نرمی با اشکال فضایی دیگر ترکیب می شود و به محض این ترکیب در ماهیت آنها نیز تغییر به وجود می آورد. درست است که اشکال محض نوری آن گونه نیستند که اشکال فضایی با نور. نور اشکال معماری را ظاهر می سازد و اشکال معماری با ظهور خود در نور تعریف تازه ای می یابند. همچنین نور صور متمایز فضایی ایجاد می کند و بدون نور بسیاری از اشیاء در هم ریخته اند. از نور می توان نه تنها در برانگیختن تمایزها بلکه متقابلاً در امحای تمایزها و فاصله های بینایی نیز سود جست. نور می تواند فضاهایی را که خودبخود نسبت به فضاهای دیگر ترجیحی ندارد امتیاز دهد و برخی از فضاها را بر دیگر فضاها مرجح سازد. نور آفریننده فضا نیست اما دگرگون کننده آن است. با نور سازمان و سامان جهان مکان گونه ای دیگر می شود و بر عهده یک معمار است که اول فضاها را بیافریند و آنگاه فضاها را با نور بازآفرینی کند. بی شک این دو مرحله کار معماری است که از هم جدا می باشد.

نور فضا را درمی نوردد و به اعماق فضا راه می یابد تا آنجا که هیچ صورت خاص مکانی در ماده و شیئی ظاهر نشود نور همچنان با مکان یگانه می باشد به رغم آن که خود برای انسان هیچ ظاهر نباشد اما وجود دارد و به محض اتفاق صیورورت یا صورت خاصی از مکان به معنی عام که شامل هر صورت مرکب از نقطه، خط و سطح است، نور برای انسان ظاهر می گردد. نور وجه فضایی خدای توست؛ فاینما تکونوا فتم وجه الله. چنانچه فضا یک سطح محض باشد نور وجه سطح را به خط می نمایاند نه به سطح و چنانچه فضا مکان محجم باشد که با احجام مکانی به وجود می آید نور وجه مکان محجم را به سطح می نمایاند حتی زمانی که در احجام بلورین نفوذ می کند باز به وجوه این احجام منعکس گردد. این ظهور نور به سطوح مرکب از ظهور سطوح گوناگون متمایز و نامتمایز می باشد. مکانی

گفت اشکال و ساختههای معماری وجود دارد که با تاریکی پدید می آید اما به دلیل تفوق نور این اشکال و ساختهها وجودی اصیل ندارند بلکه وجودی تابعی و فرعی به شمار می آید که به محض حضور نور فرو می ریزند در هر صورت همین خاصیت تاریک سازی در اشکال و ساختهها به توان معماری می افزاید.

از جمله در اشیای محجم تودستی یعنی اشیایی که بخشی از حجم فضا را اشغال می کنند و ما در زندگی خود با آنها سروکار داریم نور و تاریکی هر دو در آنها دخیل است.

اما حقیقت این است که فضا برخلاف تفکر شرق دور تهی نیست بلکه همان هستی است و همان هستی بی کرانه است. فضا در برگیرنده فضای نور و یا فضای تاریک است. فضا، فضا است و نه نور نسبی و نه تاریکی نسبی نمی تواند مبین و معرف آن باشد.

در معماریهای طبیعی و انسانی فضاهای نوری، نور مصنوعی (فضاهای برخوردار از پروژکتورها، لامپها و چهل چراغها)، نور طبیعی (فضاهای با آفتاب، نور مهتاب و غیره) را خود مشاهده می کنیم فضاهای غیرنوری، غارها و اعماق دریاهاست.

همچنان که روشن است فضاهای نوری در معماریهای طبیعی و انسانی به رغم اختلاف منابع نوری وجود دارد. در حالی که در طبیعت و اشکال طبیعی غیر مصنوع نور طبیعی، پرتوهای مستقیم و غیر مستقیم آفتاب و ماه و ستارگان وجود دارد در فضاها و اشکال انسانی هر دو نور طبیعی و نور مصنوعی وجود دارد. تصور کنید با وقوع مهتاب از پشت پنجره ها نور به درون اتاقی می آید که دارای مهتابی است. اختلاف نور طبیعی و نور مصنوعی در معماری چیست؟ معماری به نور چونان نور کاری ندارد. معماری نور را آنچنان که در فضای معماری منعکس می گردد می نگرد. معماری نور را تا جایی که فضا آن را متعین می سازد ملاحظه می کند یعنی آنچه مهم است نور مقید و مشروط به مکانهای معماری است. معماری نور را در برون و درون اشکال معماری به کار می برد تا اشکال معماری را دوباره صورت خاصی بخشد. فضای یک اتاق بدون نور و همان اتاق به هنگامی که نور در آن باشد فرق دارد. این است که فضای اتاق با نور صورت نوینی را تداعی می کند. قدرت یک معماری در توانایی آن از استفاده دقیق از نور برای القای فضاهای متعین می باشد.

ویژگی این ورود فضایی این است که همچنان که به طور مستقیم عمل می کند به شیوه غیر مستقیم نیز تأثیر می گذارد، ورودی همه جانبه و چندگانه و بسط یافته در همه زوایا و اطراف.

تاریکی یک فضا انفعالی بودن آن فضا را در برابر فضاهای ورودی بیان می کند. فضاهای تاریک منفعل می باشند چرا که آنها نمی توانند صورت و چهره نمای فضای نوری را دگرگون سازند. آن فضاها پذیرنده نورند. تاریکی یک فضا خودبخود فاقد فعل و اثر است. بنابراین فضاهای تاریک به درون فضاهای روشن نفوذی ندارند. هنگام شب فضاهای بیرونی خانه نیست که فضای درون خانه و اتاقها و سایر بخشهای آن را تیره می سازد بلکه خود فضای درونی همچون فضای بیرونی پیشاپیش تیره و تاریک گردیده است. در برابر فضاهای تاریک این فضاهای روشن اند که در دیگر فضاها رخنه می کنند و هر فضایی که روشتر باشد توان نفوذ و رخنه بیشتری را دارد. شکوه و عظمت فضاهای نوری و امتیاز آنها از همین روست که فضاهای دیگر به تسخیر آنها درمی آید. این است راز زیبایی پنجرههایی که در طول روز هنگام پیکره های نور را به درون راه می دهند و در شب هنگام فضاهای پیرامونی را با نور خود متجسم و متصور می سازند.

به هستی خود به نحو تام و تمام بر انسان ظاهر نگردد چه ظهور مکان به نور است و نور برای انسان تنها در امر سطوح منعکس می گردد با آن که تراکم این سطوح که فضا را به ذهن نزدیک می سازد می تواند بی نهایت باشد. نور چنانچه مکان را به نحو تام و تمام بنمایاند هستی آن را بنموده باشد و هستی مکان جز در مقام ذات آشکار نخواهد شد و بنابراین نور با مکان در ذات متحد و یگانه است. نور چگونه با مکان متحد است؟ چنانچه تعریف مکان را جوهر بسط یافته و ذی الوجوه بسط یافته بدانیم نور با آن تضایف خاص دارد. یعنی نور به مکان و مکان به نور پیوسته است ولیکن تصور نور موقوف به تصور مکان است اما تصور مکان موقوف به تصور نور نیست. مکان مفهومی نوابسته به نور است.

مکان به هیچ روی متوقف نمی شود. هیچ چیزی نمی تواند مکان را از بسط دارندگی آن باز دارد. مکان یا فضا همچنان بسط می یابد و یا بهتر است بگوییم مکان در بسط است. بسط مکان بدون هیچ نیاز به اطاله زمان بوده است. به همین دلیل است که میتوانیم بگوییم مکان حادث نیست و آن قدیم و بی زمان است. هم اینک نیز مکان وقوع نمی یابد بلکه وقوع در مکان است. تحقق اشیای مکانی نیز تحقق زمان آنهاست و نه تحقق مکان آنها. اشیای بدان حیث که مکانی اند در تحقق مکانی خود جاودانه اند.

نور نیز به هیچ روی نمی ایستد هیچ چیزی جز با جذب نور مانع از گسترش نور نمی شود. هر آنچه از نور جذب شیئی نگردد منعکس می گردد اشیای مکانی تا آنجا که مکانی اند بازدارنده نور نیستند. بلکه ماده یا جسمانی بودن اشیای مکانی است که مانع نفوذ نور می گردد و همین سبب ظهور اشیای مکانی و رویت ما از آنها می شود. با این همه اشیای مکانی که به تناسب ماده آنها مانع نفوذ نور می گردند از بسط مکانی گریزی ندارند.

تاییدن نور به یک فضای معماری وحدت و تناقضی فضایی را به وجود می آورد. از یک سو ترکیب تازه حاصل شده یک هویت یگانه ای از فضا را به دست می دهد و از دیگر سو با تابش نور فضای هندسی پیشین شکسته می شود. چنانچه تابش نور از دریچه و پنجره به داخل یک فضای درون ورود فضایی بیرونی به فضای درونی را تداعی می کند.